

خبر

تجمع سپرده‌گذاران کاسپین

● **ایرنا:** شماری از بازرسان وزارت صنعت، معدن و تجارت و سپرده‌گذاران مؤسسه مالی- اعتباری کاسپین مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی و حقوقی خود شدند.
همچنین جمعی از سپرده‌گذاران مؤسسه مالی- اعتباری کاسپین نیز برای چندمین بار مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و خواستار بررسی مجلس درباره جبران ضرر و زیان خود شدند.

۳ سؤال از وزیراعلام ووصول شد

● **ایرنا:** غلامرضا کاتب، عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی از اعلام وصول سه سؤال از سه وزیر از جمله سؤال حسینعلی حاجی‌دلیگانی از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد. او گفت: سؤال حسینعلی حاجی‌دلیگانی نماینده شاهین‌شهر از وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات درباره علت عدم نظارت و کنترل بر محتوای فضای مجازی نیز اعلام وصول شد.
همچنین سؤال از محمدرضا نعت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام وصول شد.

ادامه از صفحه اول

پس لرزه‌های مصاحبه یامین‌پور با انیس نقاش

یامین‌پور ادامه می‌دهد: «برای به درک واصل‌کردن نخست‌وزیر شاه، شاپور بختیار به پاریس می‌روند، هرچند این عملیات در مرحله اول انجام نمی‌شود و متوق می‌شود، اما ایشان بازداشت می‌شوند».
شاید اوج‌گرفتن انتقادات به این بازگردد که موضوع مطرح‌شده در این برنامه، به فرصتی برای سوءاستفاده شبکه «العربیه» تبدیل شد. «حسن سبحانی‌نیا»، از فعالان اصولگرا در این خصوص به «رویداد ۲۴» گفته «این روزها متأسفانه در رسانه ملی، برخی از رسانه‌های مکتوب و فضای مجازی شاهد هستیم که آگاهانه یا ناآگاهانه علیه مصالح و منافع ملی کارهایی صورت می‌گیرد که نفعتها به مصلحت نظام نیست، بلکه نتیجه عکس هم می‌دهد».
او در رابطه با رعایت‌نکردن مسئله حفظ منافع ملی از سوی افرادی همچون کریمی‌قدوسی یا یامین‌پور گفت: «منافع ملی برای هر کشوری و مسئولان آن یک اصل به حساب می‌آید؛ بنابراین رعایتش به قدری حائز اهمیت است که برای تنبیه کسانی که غیر از این رفتار می‌کنند، مقرراتی نه‌تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا در نظر گرفته شده است.»
«جواد کریمی‌قدوسی»، نماینده نزدیک به جبهه پایداری هم هرازگاهی ادعاهایی می‌کند که با واکنش و تذکب‌های وزارت خارجه روبه‌وی می‌شود. سبحانی‌نیا افزود: «رعایت منافع و مصالح ملی مسئله‌ای است که هم عقل و هم قلم و قوانین و مقررات کشور بر آن تأکید دارند؛ بنابراین باید براساس چارچوب‌های قانونی با این افراد برخورد شود که از تکرار باز بمانند».
او با تأکید بر اینکه مصالح ملی ملاحظه‌بردار نیست، گفت: «قانون مجازات اسلامی این مسئله را مورد اشاره قرار داده و قوانین دیگر هم برای برخورد با این افراد وجود دارد. هیچ ملاحظه‌ای نباید مانع از اجرای آن شود».
نماینده سابق مجلس افزود: «در صورت برخورد قانونی با این افراد، امیدواری مردم هم نسبت به جبریان افزایش می‌یابد. علاوه‌براین، بی‌حرمتی به قانون، بی‌حرمتی به دستورات دینی است؛ زیرا قانون مانند حکم شرعی محسوب می‌شود، باید به آن عمل کرد و در رعایتش کوشا بود».
سبحانی‌نیا درباره اینکه برخورد با این افراد بر عهده کدام نهاد است، بیان کرد: «باید قوانین در این زمینه‌ها شفاف باشد و در مواردی که یک مدیر با مسئولی تخطی می‌کند، با او برخورد شود».

سه‌شنبه‌شب، پس از اوج‌گرفتن انتقادات از صحبت‌های یامین‌پور و از صفحه اینترنتاکرام خود، به انتقادات پاسخ داد و نوشت: «زمانی که حکم ارتداد سلمان رشدی از طرف امام خمینی (ره) صادر شد، بسیاری از نفوذی‌ها فریاد زدند که امام با این کار ایران را رسماً به عنوان تروریست معرفی می‌کند و این یعنی افزایش فشارهای بین‌المللی به ایران، ولی امام و من از ایشان رهبر معظم انقلاب هیچ‌گاه این حکم عقب‌نشینی نکردند و رسماً برای به درک واصل‌کردن سلمان رشدی جایزه تعیین شد. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه از این استراتژی عقب‌نشینی نکرد و هنوز هم عکس مصطفی مازح، شهید لبانی و اولین کسی که در مأموریت به جهنم فرستادن سلمان رشدی به شهادت رسید، زینت‌بخش دیوارهای شهر تهران است».
او ادامه می‌دهد: «شاپور بختیار پس از خروج از ایران فعالیت‌های گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی آغاز کرد... هر چند نمی‌دانم دقیقاً چه کسی و از طرف چه کسی بختیار را به درک واصل کرد، ولی قطعاً برخلاف سلطنت‌طلبان و فتنه‌گران از این اتفاق خوشحالم...».
او در پایان هم نوشته است: «هرچند مأموریت انیس نقاش موفقیت‌آمیز نبود و نقاش در همان عملیات دستگیر و به حبس ابد محکوم شد، ولی شاپور بختیار در عملیات دیگری که معلوم نیست چگونه و به دست چه کسی صورت گرفت، به سزای اعمالش رسید. (انیس نقاش هشت سال پیش جزئیات این پرونده را با خبرگزاری‌ها در میان گذاشته و این پرونده همان‌ه‌ای برای جمهوری اسلامی نبوده است.)».
جزئیات مورد اشاره یامین‌پور در خبرگزاری‌ها، احتمالاً به مصاحبه «فارس» با «انیس نقاش» در سال ۱۳۸۷ بازمی‌گردد. او در این مصاحبه به جزئیات اقدامش اشاره کرده بود.

سیاست

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران:

ثروتمندان دنبال دموکراسی نیستند



حضور در مشارکت برای توسعه فراگیر کشور خود را محاسب می‌دارند به‌خصوص کسانی که ثروت خود را نامشروع یا از طریق رانت‌ها به دست آورده‌اند. البته لازم به ذکر است که در این قشر اندکی هم هستند که از این قاعده مستثنا هستند و در چرخه تولید و خدمت و توسعه نقش آفرینند، اما این عارضه عده کثیری را شامل می‌شود. به‌طورکلی اکثر اقشار بالادست دارای خلا هویتی هستند و خود را بی‌نیاز می‌بینند. بخش بزرگی از این جماعت معمولاً تعلق‌خاطری به جامعه شهروندی ندارند.

محمد عطریانفر در تحلیل از طبقات فرودست شهری گفت: «آنها به دلیل محرومیت، فرصت و توانایی خاصی ندارند و نوعاً درگیر معیشت زندگی خود هستند و به امور مهم‌تر ازجمله ضرورت توسعه و پیشرفت نمی‌اندیشند. آنها تنها می‌کوشند حداقل‌ها را برای خانواده خود تأمین کنند و در تأمین، طبعاً ابتدا

ادامه از صفحه اول

هنوز به جامعه روحانیت بازنگشته است. هنوز اصولگرایان نتوانسته‌اند او را راضی کنند که بار دیگر به جمع آنها بازگردد. از میانه‌های انتخابات ۸۴، آن روزها که از حل اختلافات اصولگرایان با ریش سفیدی ناامید شد، از جمع آنها برید و به نور، زادگاهش پناه برد. اختلافاتی که دقیقاً بر سر حمایت شورای هماهنگی نیروهای انقلاب از احمدی‌نژاد یا قالیباف آغاز شده بود. ناطق خودش دو بار با احمدی‌نژاد جلسه داشته و در مصاحبه‌ای گفته بود تحلیل‌هایی که احمدی‌نژاد ارائه داده بود، فضایی بوده است. بازگشت به نور، اما آغاز راه جدیدی برای ناطق بود. آغاز فصل جدایی از آنچه به آن تعلق داشت، مثل جامعه روحانیت مبارز، تشکلی که بر سر فعالیت حزب‌گونه آن بارها با مهدوی‌کنی می‌اخته داشته است. آیت‌الله مهدوی‌کنی، دبیرکل فقید تشکل، معتقد بود روحانیت باید حالت پدری برای جامعه داشته باشد و ناطق اما معتقد به فعالیت حزبی بود. سالان ۸۸ وقتی احمدی‌نژاد در همان مناظره‌های کدایی، انگشت اتهامش را از شیشه تلویزیون به ناطق و پسرش نشانه رفت، از جامعه هم برید، همان‌طور که چهار سال پیش‌تر از آن از اصولگرایان بریده بود. دیگر در جلسات جامعه روحانیت هم شرکت نکرد. مصباحی‌مقدم از اعضای این تشکل گفته بود که علت شرکت‌نکردن ناطق در جلسات جامعه، دلخوری او از اصولگرایانی است که از او در برابر حملات احمدی‌نژاد حمایت نکرده‌اند.

۸۸ به این سبب، فاصله بین ناطق و عقبه راستی او روزبه‌روز بیشتر شد. برای آخرین‌بار در مراسم احیای حرم امام خمینی در آن سال حاضر شد و از سیاست‌هایی که همه‌چیز را به امام زمان پیوند می‌زند، انتقاد کرد. چند سال بعد اما اصولگرایان دیگر این لحن فنانده او را تاب نیاوردند. تا جایی که در مراسم احیای حرم امام رضا، علیه او شعار داده و به مشت‌ش بطری آب پرتاب کردند. برنامه که از تلویزیون در حال پخش مستقیم بود، برای لحظاتی قطع شد.

ناطق نوری به گفته علی یونس‌ی از جمله چهار چهره اثرگذاری بود که از حضور روحانی و اتلافی که در سال ۹۲ شکل گرفته بود، حمایت کرده بود. اولین نشانه‌های این حمایت را هم می‌توان در همان سال ۹۲ دید. وقتی ناطق نوری در رمضان نحوه حرکت و در افطاری محمدرضا عارف را بر حضور در افطاری محمدرضا باهر ترجیح داده بود. آنجا که کنار رقیب خود در انتخابات سالان ۹۶ نشست. ناطق بعد از آن بار دیگر به احیاهای حرم امام خمینی بازگشت. افطاری‌هایی را هم در حوزه علمیه امام حسن مجتبی (ع) در لوسان برگزار می‌کند.

هنوز نسبت به اصولگرایان بی‌میل است، اما با اصلاح‌طلبان دیدار می‌کند و در اولین میزبانی رسمی پذیرای مجمع ایناگران اصلاح‌طلب شده است. اعضای این تشکل چهره‌هایی هستند که علاوه بر سابقه حضور در جبهه و جنگ، از اعضای معروف و بنام جریان چپ خط امامی در دهه ۶۰ بوده‌اند. از جواد امام گرفته تا فیض‌الله عرب‌سرخی و پروازی. هرکدام قبل از تأسیس این تشکل سابقه عضویت در دیگر احزاب یا سابقه جریان چپ را در کارنامه خود دارند.

حالا هم به گفته پروازی بنای خود را گذاشته‌اند تا با بزرگان کشور دیدار کنند و یکی از این بزرگان هم ناطق‌نوری بوده است. با محمد پروازی دو روز بعد

خبر

علیرضا بهشتی مطرح کرد

مقایسه آواربرداری پلاسکو و ساختمان حزب جمهوری

● **جماران:** علیرضا بهشتی گفت: «شهید بهشتی معتقد بود انقلاب ۳۰ سال زود اتفاق افتاد و انقلابیون آمادگی اداره کشور را نداشتند. در جریان انقلاب، مرحوم بهشتی و دوستانش فکر می‌کردند تا ۳۰ سال دیگر طرح‌هایشان آماده می‌شود یعنی تا آن‌موقع نظام اسلامی به‌خوبی تبیین شده و افراد اجرایی آن تربیت شده‌اند؛ اما انقلاب را کسی تصمیم نمی‌گیرد انجام دهد. باید مجموعه‌ای از عوامل جمع بشوند تا اتفاق بیفتد. انقلاب که اتفاق افتاد، امثال آقای بهشتی دور راه بیشتر نداشتند؛ یا باید انقلاب را به‌کلی نادیده می‌گرفتند و به کار خودشان ادامه می‌دادند یا اینکه طوری انقلاب را اداره می‌کردند که هم طرح‌هایشان را اجرا کنند و هم انقلاب را پیش ببرند. شهید بهشتی راه دوم را در پیش گرفت و بر همین مبنا، مقدمات تأسیس حزب جمهوری از سالان ۵۶ فراهم شد».
او افزود: «بعد از اینکه فاجعه ساختمان پلاسکو پیش آمد، برای یکی از دوستان این مطلب را نوشتم: «من وقتی حادثه ساختمان پلاسکو و آواربرداری‌های آن را دیدم یاد شب هفتم تیر افتادم و اینکه همان اشتباهات در آواربرداری از حادثه هفتم تیر امروز هم تکرار می‌شود و در بر همان پاشنه می‌چرخد و این با وجود گذشت ۳۵ سال از آن حادثه تا‌سف‌آور است. در اطلاع‌رسانی هم همان آشفتگی را در این حادثه دیدیم. آن شب به ما یک بار می‌گفتند به فلانی زنده است، یک بار می‌گفتند به شهادت رسیده، تا صبح ۱۰ بار اخبار ضدونقیض منتشر شد؛ هیچ نظم و نظام و هیچ سیستمی برای اینکه این مسئله به‌خوبی مدیریت شود وجود نداشت. در آواربرداری از روی مجروحان هم مدیریتی نبود و یک حادثه‌ای که هیچ‌وقت یادم نمی‌رود این بود که بخشی از این سقف آوار شده در سالن اجتماعات حزب جمهوری، خیلی سنگین بود، جرقه‌ای آمد که آن را بلند کند، چون در محاسبات‌شان اشتباه کرده بودند، سیم بوکسل جرقه‌یل برید و آن تکه بزرگ دوباره روی مجروحان افتاد و تعدادی به این دلیل به شهادت رسیدند. در کل فقط ۲۵ نفر در آن حادثه زنده ماندند، من که صحنه‌های آن شب هیچ‌وقت یادم نمی‌رود، انتظار دارم بعد از ۳۵ سال بسیاری از ضعف‌های مدیریت‌ها در این مسائل برطرف شده باشد که چنین نشده است».

ادامه از صفحه اول

خود عباس، کیارستمی شد

او قبیل از آنکه به دلیل هنرمندی ذاتی و قابلیت‌های بی‌ادماندنی خود جهانی‌شود و فستیوال‌های جهانی با حضور و نام او اعتبار بیشتری پیدا کنند، مسئولان جشنواره (کن) کیارستمی را می‌شناختند و او را تحسین می‌کردند. عباس قبل و بعد از معروف‌شدن جهانی، هنرمندی با اصالت کامل ایرانی بود و ارتباط او با ادبیات و شعر فارسی در تمام عمر، بخش مهمی از شخصیت او را شامل می‌شد. زندگی او قبل از ورود به کانون پرورش فکری کودکان و ساختن فیلم‌های بی‌ادماندنی از زندگی کودکان و نوجوانان ایرانی، سرشار از عشق به عکاسی و فیلم و نقاشی بود و خلاقیت هنرمندانه او در کانون، سرآغاز زندگی پرفرور و بی‌ادماندنی‌اش در هنر، فرهنگ و ادبیات ایران شد. نام او در محافل جهانی موجب افتخار ایران و ایرانیان بوده و هست. مجموعه این عوامل از عباس جوان، کیارستمی جهانی ساخت و آقای کارمان عدل که به اعتبار اسم رادر بزرگوارش مرحوم شهریار عدل گاهی اینجا و آنجا دیده می‌شوند، کسی نبود که عباس را به این و آن معرفی کند.

دیگر اینکه ابشانی که خودشان را شاعر می‌دانند، نوشته‌اند که هنگام نمایش فیلم، جمعیت کمی حضور داشت، درحالی‌که بنده خود در سالن بودم. در موقع نمایش فیلم صمدیان، علاوه بر کسانی که تمام صندلی‌های سالن را اشغال کرده بودند، عده زیادی در حاشیه سالن ایستاده فیلم را تماشا می‌کردند و اگر آقای عدل با فیلم فارسی اصلاً میانه‌ای ن‌دارد، موجب کسب افتخار برای ایشان نیست. حقیقت اینکه عباس کیارستمی بارزترین شخصه سینمای ایران است و نسلی از فیلم‌سازان ما خود را مدیون آموزش او می‌دانند. جالب‌عباس آقای کارمان عدل از قول دوست بقل‌دستی خود گفته‌اند: «کارکردن با کیارستمی، صمدیان را به این مهارت رساند» و این هم جمله‌ای از قول دیگران است برای نفی ارزش‌های هنری و فنی سیف‌الله صمدیان که مورد تأیید و قبول همه اهل سینما و عکاسی است.

دست آخر اینکه به عقیده ایشان، عده‌ای آمدند و درباره کیارستمی بعضی مهملات گفتند؛ یادآوری اسامی بزرگانی که آن شب درباره عباس کیارستمی و اهمیت فیلم‌ها و عکس‌ها و نگاه او به ادبیات و شعر فارسی سخن گفتند، نشان می‌دهد آقای کارمان عدل در قضاوت خود چگونه به بی‌راهه رفته‌اند.

۱. سیف‌الله صمدیان، باعث و بانی این مراسم که محتمل زحمات فراوانی شده‌اند، ۲. محمود کلاری، فیلم‌بردار و سینمابلد هنرمند و محبوب و صاحب‌سبک. ۳. محمد سریر، موسیقی‌شناس و آهنگ‌ساز و عضو شورای‌عالی خانه هنرمندان. ۴. مجید رحبی معمار، مدیر فرهیخته خانه هنرمندان. ۵. رضا کیاپیان، هنرمند و بازیگر دوست‌داشتنی و مدیر کاخ جشنواره جهانی فیلم فجر.

متوسط این است که نهاد دولت را کوچک کنند تا شهروندان احساس مسئولیت کنند و در مشارکت‌های مدنی برای خود نقش قائل باشند. طبق گفته یکی از مشاوران آقای زنگنه؛ دولت خاتمی که به پایان رسید، وزارت نفت ۹۴ هزار نیروو تحویل دولت بعدی داد، اما دولت به‌اصطلاح عدالت‌گرا و مردمی کدایی بدنه کارمندی وزارتخانه نفت را فربه و بی‌اثر کرد و با واردکردن نیروهای جانبی، کارآمدی این نهاد کلیدی را به حداقل رساند. پیامد این اتفاق ناگوار، وزارت نفت را تبدیل به یک نهاد پر از مشکل کرد که ۴۲۰ هزار نیرو با کمترین توانایی و منفعل باشد. طبیعی است که بدنه دولت توانایی و چابکی لازم برای فعالیت نداشته و نهادهای فرودستی مثل کارمندان فقط به فکر حقوق خود باشند؛ آن‌گونه که ۷۰ درصد نیروهای جذب‌شده مازاد آن نیلیم یا زیر دیلیم هستند».

عطریانفر تأکید کرد: «ما در رأس نهادهای مدنی به تشکیل شورای شهر اهمیت و بها می‌دهیم وقتی زمینه اصلی که همانا طبقه متوسط هستند، ضعیف شود، از درون آن نهاد مدنی توانمند خلق نمی‌شود. وقتی طبقه متوسط ضعیف شود، به همان میزان شورای شهر ضعیف و ناکارآمد خواهد شد که بزرگان نظام باید به این مشکل سروسامان بدهند. ما به‌لحاظ سیاسی و شهروندی در موقعیت درخشانی قرار نداریم».

او تأکید کرد: «اما طبقه متوسط با اعتمادبه‌نفس مرحوم هاشمی‌رفسنجانی از کارمندان و مدیران وزارت کشور بودم و آیین‌نامه شورا از سوی خود ما تدوین شد. آیت‌الله هاشمی باور داشتند که ما باید از یک حکومت متمرکز عبور کنیم و برخی از اختیارات دولت را بشکنیم تا مردم بتوانند تا حدودی عهده‌دار دولت شوند و بار دولت کم شود، از این نقطه عبور کنیم و این شورا را در چند محیط مربوطه امتحان کنیم، اشکالات آن را رفع و آن را توسعه دهیم».



ادامه می‌دهد: «اما ناطق بلافاصله بعد از آن بحث، وارد موضوع لزوم امیدواری به آینده شد و با مقایسه فوت امام و هاشمی گفت: چه کسی فکر می‌کرد امام خمینی از دنیا برود یا اینکه اگر از دنیا رفت وضعیت چگونه خواهد شد. ما به‌هرحال تحمل کردیم و خدا هم کمک کرد و راه را ادامه دادیم». پروازی با تأکید بر نگرانی و امیدواری هم‌زمان ناطق به نقل از او ادامه می‌دهد: «ناطق بعد از آن گفت خدا به هرحال کمک خواهد کرد».

امیدوارم اتفاقی جدی در انتخابات نیفتد

از او پرسیدم با توجه به نزدیکی انتخابات، آقای ناطق دراین‌باره سخنی نگفت؟ پروازی پاسخ داد: «خیلی خلاصه در این‌باره صحبت کرد. او معتقد بود اقدام و کارکرد روحانی قابل‌قبول بوده است و امیدوار هستیم که در انتخابات بعدی اتفاقی جدی نیفتد. بیشتر از این وارد نشد». از پروازی درباره نگاه ناطق به جریان اصلاح‌طلب سؤال کردم که می‌گوید: «ایشان به آن شکلی که منتقد اصولگرایان است، به همان شکل هم منتقد اصلاح‌طلبان است. از جمله نکاتی که به آن اشاره کرد، این بود که هرکدام از جناح‌های موجود کشور اعم از چپ و راست، وقتی وارد قدرت می‌شوند از صدر تا ذیل حکومت را دست‌کاری می‌کنند».

پروازی ادامه می‌دهد: بعد مثال ریاست‌جمهوری را زد و گفت از جمله رئیس‌جمهور که عوض می‌شود، وزرا و معاونان و مدیران کل و همه تغییر می‌کنند تا برسد به بخشدار. درحالی‌که در دنیا چنین چیزی نیست، یعنی هر حزبی که نخست‌وزیری یا رئیس‌جمهور را انتخاب کرد، تنها در رده وزیر، تغییر انجام می‌دهند».

کلایه ناطق از حذف‌شدن‌ها

پروازی در ادامه صحبت خود به کلایه ناطق اشاره می‌کند و می‌گوید: «ایشان گفت من در بعضی جلسات افرادی را می‌بینم که در مسئله‌اند راه حکومت بسیار قدرتمند هستند ولی صرف اینکه در جناح مقابل خود نیستند یا منتقد جناح مقابل هستند، از حکومت به دور نگه داشته شده‌اند و این خسران است برای کشور ما. ناطق گفت اگر احزاب ما این‌قدر پیشرفت کنند و بفهمند که سیستم حکومت را باید به‌دور از اخراج افراد ارائه دهند، به موفقیت رسیده‌اند».

از پروازی می‌پرسم نکته‌ای باقی مانده است که می‌گوید: «ناطق بر مسئله ضرورت تحزب با تأکید خاصی حرف زدند و اجازه به‌دید نقد حزب جمهوری را برای فرصت بعدی بگذاریم».

پرسیدم که یعنی درباره حزب جمهوری اسلامی صحبت کردند که می‌گوید: «بله به طور مفصل. ما می‌خواهیم در یک نشست دراین‌باره به طور مجزا صحبت کنیم. ایشان گفت مقامات ارشد نباید به یک حزب گرایش داشته باشند. بعد هم گفتند که ما رقتیم پیش امام خمینی و گفتیم که فلانی و فلانی حزبی هستند، در نهایت امام به جایی رسید که ۱۲ نفر را اسم برد و گفت که این افراد نباید عضو حزب باشند؛ بعد که رقتیم جلو، گفتند امام جمعه‌ها هم نباید عضو حزب باشند و کم‌کم که فهمیدیم نخبان دارند از احزاب خارج می‌شوند و احزاب درحال تضعیف‌شدن هستند». پروازی به اینجا که رسید گفت قرار است در جلسات بعد دراین‌باره بیشتر صحبت کنیم و مکالمه ما درباره اولین دیدار رسمی یک شکل اصلاح‌طلب با ناطق خاتمه یافت.



در دیدار با مجمع ایثارگران اصلاح طلب مطرح شد

۷ توصیه ناطق به اصلاح‌طلبان

از انجام دیدار گفت‌وگویی انجام دادم. می‌گوید که «بچه‌های ما این تشخیص را دادند که ایشان از جمله مسئولان انقلاب هستند که از ابتدا تا امروز در فاز تقنین و اجرا حضور داشتند و امروز منتصف‌بودن ایشان در بعد سیاسی، اقتصادی و حکومتی برای ما اثبات شده است. مستند به این مدعی اقتضای گزینیم با ایشان هم در ادامه دیدارهایی که با سایر بزرگان داشتیم، ملاقاتی داشته باشیم».

۷ بند تحزب که ناطق گفت

ناطق در این دیدار دوساعته، درباره ضرورت تحزب سخن بسیار گفته است. پروازی این سخنان را به هفت بند تقسیم کرده: «اول، ایشان بر لزوم نگاه مدرن به حکومت تأکید داشت و گفت حکومت بدون نگاه مدرن امروزی در دنیا، بعید است و موفقیت‌های قابل ارائه‌ای در دنیا داشته باشد و ایران هم از این قاعده مستثنا نیست.

دوم؛ ایشان معتقد بود سامان حکومت‌ها به طور سیستماتیک نیازمند احزاب است. نبود احزاب حکومت را از نظر سیستماتیک با عیب و ایراد و نقص مواجه خواهد کرد. برای این است که حکومت نیازمند به احزاب است. سوم؛ ایشان تأکید کرد احزاب عامل ایجاد شفافیت در عملکرد حکومت هستند. اگر احزاب و نظارت آنها نباشد، پنهان‌کاری زیاد خواهد بود و وجود احزاب منجر به روشن‌شدن نحوه حرکت و عمل حکومت خواهد شد.

چهارم؛ ایشان گفت احزاب هیچ‌گاه در ایران نتوانستند نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند. یکی از علل جدی ایفانکردن نقش جدی و درست، ضعف خود احزاب بوده است و ضعف آنها به عوامل متعددی برمی‌گردد که آنها را برشمرد.

پنجم؛ آقای ناطق تأکید داشت که احزاب باید پشتوانه مالی داشته باشند. گفت اولین پرچمی که احزاب باید بر در تشکل خود بزنند، این است که وضعیت مالی خود را شفاف کنند و بگویند که از کجا تغذیه می‌شوند، از کجا به آنها کمک می‌شود و چگونه موضوعات اقتصادی در درون خود حل می‌کنند.

ششم؛ آقای ناطق گفت موفقیت احزاب در گرو جذب نخبگان است؛ یعنی اگر درون احزاب نخبگان وارد نشوند، معارف سیاسی تولید نکنند و نتوانند به سیستم حکومتی برنامه بدهند، معمولاً موفقیتی ندارند. هفتم؛ ایشان به ما گفت شما که در حال تشکیل حزب هستید، درباره این مسئله کار کنید که